

جایگاه تفسیر علمی و معیارهای آن در تفسیر نمونه

محمد مولوی*

معصومه خلیلی**

چکیده

از آنجایی که در قرآن کریم آیات فراوانی درباره هستی‌شناسی، طبیعت‌شناسی، زیست‌شناسی، پزشکی و خلقت انسان‌ها و موجودات وجود دارد، از همان آغاز نزول، قرآن محل گفتگوی دانشمندان و مفسران بوده است و هر یک تلاش نموده مقصود خداوند را در این آیات مشخص نمایند. بیشترین تلاش‌های تفسیری از قرن چهاردهم به بعد - و پس از پیشرفت علوم در همه عرصه‌ها و مخصوصاً پس از مجادلات دامنه‌دار درباره تعارض علم و دین - در میان دانشمندان مسلمان و بویژه مفسران قرآن دیده می‌شود. از جمله این مفسران آیت الله مکارم است که در تفسیر نمونه تلاش می‌کند تا به تبیین آیات علمی قرآن با روش صحیح پردازد تا از این رهگذر اعجاز علمی قرآن را نیز ثابت نماید. ایشان با اعتقاد به اینکه قرآن کتاب هدایت و انسان‌سازی است و نه کتابی علمی، با توجه به معیارهایی به تبیین این گونه آیات می‌پردازد. برخی از مهم‌ترین معیارهای ایشان عبارتند از: تفسیر قرآن بر اساس علوم قطعی و بی‌توجهی به فرضیه‌ها؛ تفسیر قرآن بر اساس قواعد تفسیر؛ حقیقی دانستن زبان قرآن در آیات علمی؛ موافقت تفسیر آیات علمی با عقل؛ این مقاله پس از مطالعه کامل آیات علمی در تفسیر نمونه با هدف بررسی ژرف‌کاوانه جایگاه تفسیر علمی و تشخیص معیارهای صحیح آن در تفسیر نمونه سامان یافته است.

کلیدواژه‌ها: تفسیر علمی، اعجاز علمی، آیات علمی، آیت الله مکارم، تفسیر نمونه

* استادیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین molavi@isr.ikiu.ac.ir

** کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) m.khalili1392@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۹/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۲/۱

۱. مقدمه

یکی از وجوه اعجاز قرآن کریم اعجاز علمی است که از زمان نزول آیات الهی تاکنون همواره مورد توجه مفسران قرآن بوده و هر یک از آنان تلاش نموده تا حد امکان به تبیین آن بپردازند. توجه به بعد علمی آیات قرآن اگرچه در زمان‌های گذشته نیز مطرح بوده ولی مفسران در قرن چهاردهم - به دلایلی که در ادامه خواهد آمد - اهتمام بیشتری بدان نشان داده، به گونه‌ای که تفاسیری با محوریت تبیین علمی آیات مانند تفسیر الجواهر طنطاوی نگاشته شد.

تحولات سریع علم و کشف بسیاری از اسرار طبیعت موجب ظهور عرصه‌های جدید علمی در حوزه‌های قرآن پژوهی و مخصوصاً در تفسیر قرآن شد، به گونه‌ای که تفسیر علمی یکی از ابعاد تفسیر عصری به شمار آمد، و برخی را بر آن داشته تا آن دو را مرادف یکدیگر دانسته؛ از سوی دیگر، گروهی به شدت به مخالفت پرداخته و هر نوع تفسیر عصری را رد کرده‌اند (الشرقاوی؛ ۱۹۷۲م، ص ۴۱۸).

با توجه به انگیزه‌های مختلفی که در ارائه‌ی این نوع از تفسیر وجود دارد درباره تعریف آن بین محققان اختلاف هست. برخی آن را «تفسیر آیات قرآن در پرتو کشفیات علمی می‌دانند» (الغراوی، ۱۴۱۵ه، صص ۲۲۸ و ۲۳۳) و برخی دیگر «ارتباط دادن حقایق علمی ثابت شده به معانی آیات قرآن را مطابق دلالت مشهور و معهود معانی لغات، تفسیر علمی نامیده‌اند» (الغراوی، ۱۴۱۵ه، صص ۲۲۸ و ۲۳۳). دکتر عدنان زرزور، استناد به حقایق علمی تجربی و نظریات آن در شرح آیات مربوط به طبیعت و انسان را تفسیر علمی نامیده است (زرزور، ۱۴۱۶ه، ص ۲۳۱).

عده‌ای دیگر استخراج دانش‌های گوناگون و آرای مختلف علمی از آیات قرآن را تفسیر علمی می‌خوانند. به هر حال، تعریف هر چه باشد، در این روش گاهی مفسر با بهره‌گیری از قطعیات دانش بشری به منظور تأیید محتوای آیات و تبیین جنبه‌های علمی قرآن به تفسیر علمی روی آورده است و گاهی نیز با اعتماد بیش از حد به آرای علمی تلاش می‌کنند آیات قرآن را با آن نظریات هماهنگ سازند و به انطباق این دو بپردازند (رفیعی محمدی، ۱۳۸۶ش، ص ۱۴۰، ۱۴۲). زمینه پیدایش این گرایش در خود قرآن نیز به چشم می‌خورد، لذا جلوه‌های ضعیفی از این گرایش در تفاسیر گذشته نیز وجود دارد، اما در قرن چهاردهم این حرکت قوت گرفت (معرفت، ۱۳۸۴ش، ج ۲/ ۱۰۰).

از مهم ترین تفاسیری که گرایش علمی دارند می توان به کتاب های ذیل اشاره کرد: «کشف الاسرار النورانیة القرآنیة»، محمد بن احمد اسکندرانی؛ «طبایع الاستبداد و مصارع الاستعباد» عبدالرحمن کواکبی؛ «تفسیر طنطاوی»؛ «تفسیر مراغی»؛ «تفسیر المنار» محمد عبده و رشیدرضا؛ «تفسیر نمونه» آیت الله مکارم؛ «تفسیر پرتوی از قرآن» آیت الله طالقانی؛ و تا حدودی «تفسیر المیزان» علامه طباطبایی؛ و «الکاشف فی تفسیر القرآن» علامه مغنیه.

البته باید توجه داشت که میزان توجه و اعتماد به علم و دستاوردهای علمی و تاثیر آن در فهم قرآن بین همه مفسران یکسان نیست، برخی مانند طنطاوی و تا حدودی عبده افراط کرده، و برخی دیگر - مانند عموم مفسران شیعه - با تفاوتی جزئی معتدل عمل نموده اند (رفیعی محمدی، ۱۳۸۶ ش، ص ۲۷۳).

به هر حال درباره روش های این مفسران و نحوه تعامل آنها با موضوعات علمی کمابیش تحقیقاتی انجام شده، ولی با بررسی های انجام شده مقاله ای علمی که به تبیین جایگاه تفسیر علمی در تفسیر نمونه پرداخته باشد مشاهده نشد، لذا این تحقیق با هدف بررسی روش آیت الله مکارم در تبیین اعجاز علمی قرآن سامان یافته، و درصدد است تا به این سوالات پاسخ دهد:

الف. تفسیر علمی در نظر آیت الله مکارم چه جایگاهی دارد؟

ب. معیارهای صحیح تفسیر علمی در تفسیر نمونه کدام هستند؟

از این رو، نویسندگان مقاله حاضر تلاش می کنند تا با مطالعه کامل آیات علمی در تفسیر نمونه و با بهره گیری از روش توصیفی - تحلیلی جایگاه تفسیر علمی را در تفسیر نمونه مشخص نمایند تا از این رهگذر معیارهای صحیح تفسیر علمی قرآن در این تفسیر مشخص شود.

۲. دیدگاهها درباره تفسیر علمی قرآن

تفسیر علمی از جمله رویکردهای تفسیری به قرآن است که از گذشته های دور تا عصر حاضر با انگیزه های مختلف شکل گرفته است. ظاهراً «غزالی» نخستین فردی است که در این باره به طور جدی سخن گفته است.

دو کتاب «احیاء علوم الدین» و «جواهر القرآن» وی مشتمل بر دریافتهای علمی او از آیات قرآن است. استدلال غزالی در این باره آن است که افعال و صفات خداوند در برگیرنده همه دانش هاست، و از آن جا که قرآن شرح ذات و افعال خداوند است پس

قرآن نیز باید مشتمل بر همه دانش‌ها باشد. از این‌رو، علوم پزشکی، اخترشناسی، علوم طبیعی، هیأت، سحر، طلسم و ... همه در قرآن یافت می‌شوند. غزالی تا بدان جا پیش رفته است که معتقد است در قرآن علمی موجود است که انسان قدرت درک بر آنها را ندارد و تنها فرشتگان از آن علوم بهره‌مندند (غزالی، بی تا، ج ۱/ ۲۸۹). پس از او سیوطی نیز با استناد به آیاتی از قرآن مانند «ما فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ»، (الأنعام/ ۳۸) و «و نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ» (النحل/ ۸۹) و پاره‌ای از روایات و سخنان برخی از مفسران، تأکید می‌کند که همه علوم از جمله علمی مانند: طب، هندسه، جبر و مقابله، و... از قرآن قابل استنباط است (سیوطی، ۱۴۲۱ق؛ ج ۲/ ۳۹۳-۴۰۰).

اما با پیشرفت‌های سریع دانش‌های بشری در دو قرن اخیر تفسیر علمی دچار تحوّل عمیق گردیده و به جای تطبیق‌های ضعیف غزالی و سیوطی، به تبیین قواعد استوار و قطعی علمی موجود در آیات قرآن و در نهایت به ارائه نظریه «اعجاز علمی» قرآن منجر گردیده است. اختراعات علمی و صنعتی غرب که در پرتو نگرش عقلی و تجربی به امور و کنکاش‌های مستمر رخ داده است، سبب پیدایش حقایق علمی جدیدی در ارتباط با هستی و در رابطه با آفرینش انسان گردیده است. همچنین برخی از اندیشمندان مسلمان در دوره احیای اندیشه دینی، که همزمان با دوران رونق علم و عقل در اروپا بود؛ تلاش کردند برای زدودن شبهه «تعارض علم و توسعه صنعتی با دین»، به تطبیق آیات قرآن با یافته‌های علمی بپردازند و روشن سازند که قرن‌ها پیش از دست یابی دانشمندان غربی به برخی حقایق علمی، در قرآن به این علوم اشاره شده است (زرزور، ۱۴۱۶ه، ص ۲۳۱-۲۳۴)؛ گرچه مسلمانان خود از دریافت آن عاجز بوده‌اند. این نگرش به قرآن موجب آشکار شدن یکی از ابعاد اعجاز آن به نام «اعجاز علمی» شد، و دین حقیقی آن دینی معرفی گردید که در کنار علم قرار گیرد (الشرق‌آوی؛ ۱۹۷۲م، ص ۳۶۸).

در این میان، تکلف برخی از نویسندگان تفسیر علمی، موجب گردید تا از گذشته‌های دور در برابر این نوع از تفسیر، مخالفانی وجود داشته باشد. ابواسحاق شاطبی (م ۵۹۰ ق) قدیمی‌ترین مخالف تفسیر علمی است. وی پس از طرح دلایل مدافعان تفسیر علمی به رد آنها پرداخته و اظهار می‌دارد مفسران تفسیر علمی با ادعای وجود همه علوم در قرآن، از حدّ خود پافراتر نهاده و مخالف سنت سلف صالح عمل کرده‌اند، در حالی که قرآن کتابی علمی نیست، بلکه قرآن برای هدایت بشر آمده است و به مناسبت به برخی مسائل علمی اشاراتی داشته است. ذهبی که خود نیز با تفسیر علمی قرآن

موافق نیست در تأیید دیدگاه خود نام برخی از دانشمندان علوم قرآن را برمی‌شمارد که با این روش تفسیری مخالف هستند. این افراد عبارتند از: امین الخولی، عبدالعظیم زرقانی، عایشه عبدالرحمن بنت الشاطی و شیخ محمود شلتوت. (ذهبی، ۱۳۶۹ش، ج ۲/ ۴۹۱-۴۹۴).

در مقابل، برخی دیگر از دانشمندان اسلامی با رویکردی نسبتاً اعتدالی به تفسیر علمی نگریسته‌اند. برخی از مهم‌ترین این افراد عبارتند از: محمد رشیدرضا، احمد امین، حسن البنا، سید قطب، محمد غزالی، محمد رجب البیومی، یوسف قرضاوی، محمد حسین طباطبائی، محمد باقر صدر، ناصر مکارم شیرازی، مرتضی مطهری، و محمد هادی معرفت. اینان بر خلاف غزالی، فخررازی، سیوطی و طنطاوی، که در صدد استخراج همه علوم از قرآن بودند و بر خلاف سرسیداحمدخان، محمدعبده، عبدالرزاق نوفل که گاهی نظریات علمی را بر آیات قرآن تحمیل می‌کردند؛ استفاده از نظریات قطعی علوم را در صورت متناسب بودن با ظواهر آیات قرآن جهت توسعه مدلول آیات قرآن و کشف معانی مجهول و حقایق جدید، مانند دیگر مقدمات لازم برای تفسیر قرآن، به شمار آورده‌اند.

این دسته از اندیشمندان، هدف حقیقی قرآن را هدایت انسان و فراهم کردن سعادت دنیا و آخرت برای او می‌دانند نه بیان قواعد علمی؛ زیرا در غیر این صورت، قرآن کریم که برای دستگیری از همه بشریت نازل شده به یک کتاب تخصصی تبدیل می‌گردد که صرفاً باید توسط عده‌ای متخصص در انواع علوم بررسی شود و در این صورت از انجام وظیفه اصلی خود که انسان‌سازی، و هدایتگری است، باز می‌ماند (زرزور، ۱۴۱۶ه، صص ۲۴۳-۲۴۸). از این رو، این افراد جهت استفاده مفید از علوم تجربی و فرضیه‌های آن در تفسیر قرآن به هنگام ضرورت، قواعدی را در نظر گرفته و رعایت شرایطی را ضروری می‌دانند.

۳. گونه‌شناسی آیات علمی و نحوه مواجهه مفسران با آنها

تفسیر علمی سابقه‌ای هزار ساله دارد، ولی ادعای اعجاز علمی قرآن در دو قرن اخیر مطرح شده، بسیاری از کشفیات علوم تجربی با قرآن منطبق شد و صحت و اتقان این کتاب الهی بیش از پیش به اثبات رسید (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۱ش، ص ۱۶). در آیات فراوانی خداوند انسان را به پدیده‌های طبیعی و علوم مختلفی همچون زیست‌شناسی، زمین‌شناسی، کیهان‌شناسی، علوم پزشکی و مراحل خلقت انسان توجه می‌دهد.

از این رو، برخی از محققان تعداد آنها را حدود ۸۰۰ آیه (حافظ ابراهیم، ۱۹۹۳م، ص ۵)، برخی هم ۱۳۲۲ آیه برشمرده اند (حبال، بی تا، ص ۳۵-۳۶)، که با افزودن آیات مربوط به علوم انسانی، علوم اجتماعی و موضوعات روانشناسی بیش از این تعداد می شود. آیات علمی به گونه های مختلفی در قرآن یافت می شوند. در ادامه به طور خلاصه به آنها اشاره می شود:

الف. برخی آیات فقط به یک موضوع علمی اشاره دارند، مانند: «وَجَعَلْنَا فِي الْأَرْضِ رَوَاسِي أَنْ تَمِيدَ بِهِمْ» (الانبیاء / ۳۱).

ب. گاهی چند موضوع علمی در یک آیه مطرح شده است، مانند: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (البقره / ۱۶۴).

ج. گاهی نیز یک موضوع علمی در چند آیه مطرح شده است، مانند آیات آفرینش انسان (رفیعی، ۱۳۸۶ش، ص ۳۳).

توافق قرآن با علوم جدید بر سر یک مطلب علمی اعجاز قرآن را اثبات می کند، باید توجه داشت اگر مطالب علمی قرآن توسط علوم تجربی مورد تأیید قرار نگرفت، موجب بی اعتباری قرآن نمی شود (رضایی، ۱۳۸۱ش؛ ص ۸۳)؛ زیرا قرآن معجزه جاوید پیامبر اسلام (ص) و دلیل اعتبار اسلام است و اعجاز قرآن از راه های متعدد مانند اعجاز در الفاظ، محتوا، عدم تناقض در مفاهیم آن، آهنگ قرآن، نفوذ آیات آن در دل ها، پیشگویی ها و اخبار غیبی قرآن ثابت شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق؛ ج ۱ / ۵۸-۸۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۱ / ۱۳۱؛ ج ۲ / ۴۳۲؛ ج ۳ / ۳؛ ج ۷ / ۶۴؛ ج ۸ / ۲۸۹؛ ج ۱۱ / ۴۱۰؛ ج ۱۲ / ۲۷۵؛ ج ۱۵ / ۵۶۸؛ ج ۲۰ / ۲۸۹) و اگر از لحاظ علمی هم در بعضی موارد توافق علوم با قرآن اثبات شود شاهد دیگری بر اعجاز آن است (رضایی، ۱۳۸۱ش، ص ۸۳).

به عبارت دیگر، گونه های متفاوت رابطه مطالب علمی قرآن با علوم تجربی، سه صورت دارد:

الف: مطالب علمی قرآن که مورد تأیید علوم قرار گرفته، در بسیاری موارد شگفتی دانشمندان جدید را برانگیخته که چگونه یک کتاب مذهبی، در چهارده قرن قبل، از

جدیدترین نظریات علمی با دقت سخن گفته است مانند: حرکت خورشید، زوجیت گیاهان.

ب: مطالب علمی که در قرآن وجود دارد و با نظریات علوم تجربی، ناسازگاری می‌نماید که این بحث مربوط به تعارض علم و دین می‌شود که تعارض علم قطعی، با دین ممکن نیست بلکه این تعارض ظاهری است که با دقت بیشتر برطرف می‌شود، و یا در گذر زمان و با پیشرفت علوم باطل بودن آن نظریه مشخص می‌شود مانند فرضیه های کروی نبودن زمین یا عدم چرخش آن که با پیشرفت علوم بطلان آنها ثابت گردید ج: مطالب علمی که در قرآن وجود دارد توسط علوم تجربی، اثبات یا نفی نشده است و ممکن است قرن‌ها بعد با پیشرفت علوم، کشف شود و هیچ دلیلی بر رد آنها نداریم، بنابراین، مانعی در اعتقاد به آنها وجود ندارد (رضایی، ۱۳۸۱ش: ۸۳).

درباره مواجهه محققان با آیات علمی قرآن نیز می‌توان گفت که رویکردهای مختلفی در طول تاریخ بین آنها وجود داشته است. این رویکردها را در چهار دسته می‌توان دسته‌بندی نمود:

الف. استخراج همه علوم از قرآن، که منجر به تأویلات بسیاری در آیات قرآن، عدم رعایت قواعد ادبی، ظواهر و معانی لغوی آنها می‌شود (ذهبی، ۱۳۶۹ش، ج ۲/ ۴۵۴-۴۹۵). مثلاً مقصود از «غُثَاءٌ أَحْوَى» در آیه «وَ الَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَىٰ فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَىٰ» (الاعلیٰ / ۴ - ۵) را زغال سنگ تفسیر کرده‌اند (عجوز، ۱۹۸۷م، ص ۱۶۸).

ب. تطبیق و تحمیل نظریات علمی بر قرآن، که در حقیقت نوعی تفسیر به رای است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق؛ ج ۱/ ۶-۸) مفسر در اینجا نظریه علمی را به اصل در نظر گرفته و بعد به سراغ قرآن می‌رود و تلاش می‌کند تا قرآن را با آن هماهنگ سازد: مانند آیه «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا» (الاعراف / ۱۸۹) که در آن عبدالرزاق نوفل «زوج» را الکترون و «نفس» را پروتون تعبیر کرده است (نوفل، ۱۳۹۳ق، ص ۱۵۶).

ج. استخدام علوم برای فهم و تبیین بهتر قرآن؛ که مفسر با مطالب قطعی علوم و نه با نظریات و فرضیات علمی، به تفسیر علمی معتبر می‌پردازد. این شیوه صحیح‌ترین تفسیر علمی است. مانند آنچه درباره آیه «وَ الشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا» (یس / ۳۸) گفته شده است که به حرکت و جریان خورشید اشاره می‌کند و امروزه از نمونه‌های اعجاز‌آمیز قرآن محسوب می‌شود (الفیومی، ۱۴۲۴ه؛ ص ۶۳).

د. نظریه‌پردازی و جهت‌دهی به علوم؛ که مفسر سعی در به دست آوردن مبانی علوم مختلف از قرآن دارد. مثلاً در آیه «وَ مِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا بَثَّ فِيهِمَا

مِنْ دَابَّةٍ وَ هُوَ عَلَى جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ قَدِيرٌ» (الشوری / ۲۹) با بیان وجود موجودات زنده در آسمان، نظریه‌ای برای کیهان‌شناسی مطرح کرده است (رضایی‌اصفهانی، ۱۳۷۵ش، ص ۲۷۵).

بنابراین در میان چهار رویکرد تفسیری، رویکرد سوم و چهارم که بر اساس ضوابط درست تفسیری هستند، قابل بررسی و دفاع است. در تفسیر نمونه نیز مفسر تلاش نموده تا با تکیه بر داده‌های قطعی علوم به تفسیر آیات علمی قرآن بپردازد و از تحمیل نظریات و فرضیه‌های علمی بر قرآن دوری جسته است.

۴. معیارهای تفسیر علمی معتبر در تفسیر نمونه

از دیدگاه آیت الله مکارم «اعجاز» یا «معجزه» ناتوان ساختن دیگری است، و در مواردی به کار می‌رود که انسان مانع کار دیگری شود، یا از چنگال کسی فرار کند، یا طرف را به زانو در آورد و یا خود را در مصونیت قرار دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۹ / ۸۴). ایشان با رد انحصار اعجاز قرآن در فصاحت و بلاغت، معتقدند که هر روز وجوه جدیدی از اعجاز قرآن آشکار می‌شود. او سپس وجوه اعجاز قرآن را که تاکنون به اثبات رسیده چنین برمی‌شمارد: اعجاز از نظر فصاحت و بلاغت، اعجاز تشریحی، اعجاز در بیان معارف و مسایل عقیدتی، وضع قوانین، مسائل ناشناخته علمی، اخبار غیبی، عدم وجود اختلاف در میان آیات قرآن و ... (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶ش، ص ۱۱۳ و ۱۱۴ و ۱۱۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش؛ ج ۱ / ۸۳ به بعد) اما از آنجایی که یکی از مهم‌ترین وجوه اعجاز قرآن را اعجاز علمی می‌داند، از این‌رو، در آیات متعددی تلاش می‌کند تا به تبیین این نوع اعجاز بپردازد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش؛ ج ۵ / ۴۳۵؛ ج ۸ / ۲۲۷؛ ج ۱۰ / ۱۱۹؛ ج ۱۱ / ۱۸۳؛ ج ۱۵ / ۵۶۸). از نظر آیت الله مکارم توجه به بعد علمی قرآن نه تنها مورد توجه مسلمانان بوده بلکه دانشمندان غربی نیز به این بعد از قرآن توجه نشان داده‌اند. ایشان دیدگاه چندین نفر از محققان غیر مسلمان را یادآور می‌شود. برای نمونه به نقل از «ژول لایوم» نویسنده فرانسوی می‌گوید: «دانش و علم برای جهانیان از سوی مسلمانان بدست آمد و مسلمین علوم را از قرآنی که دریای دانش است گرفتند و نهرها از آن برای بشریت در جهان جاری ساختند». دینورت مستشرق دیگری در این باره می‌گوید: «واجب است اعتراف کنیم که علوم طبیعی و فلکی و فلسفه و ریاضیات که در اروپا رواج گرفت عموماً از برکت تعلیمات قرآنی است و ما

مدیون مسلمانانیم بلکه اروپا از این جهت شهری از اسلام است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۱ / ۱۳۸).

آیت الله مکارم خود نیز در تفسیر نمونه در این باره می‌گوید: «البته می‌دانیم قرآن یک کتاب علوم طبیعی نیست، بلکه یک کتاب انسان‌سازی است، و بنابراین؛ نباید انتظار داشت که جزئیات این علوم از قبیل مسائل مربوط به تکامل، تشریح، جنین‌شناسی، گیاه‌شناسی و مانند آن در قرآن مطرح شود، ولی این مانع از آن نخواهد بود که به تناسب بحث‌های تربیتی اشاره کوتاهی به قسمت‌هایی از این علوم طبیعی در قرآن بشود. (مکارم، ۱۳۷۴، ج ۱۱ / ۸۱، ۳۶۲ و نیز ج ۲ ص ۲۸۳).^۱ هم اکنون پس از این مقدمه معیارهای تفسیر علمی معتبر از نگاه آیت الله مکارم را بیان می‌کنیم:

۴-۱. تفسیر قرآن بر اساس علوم قطعی و بی‌توجهی به فرضیه‌ها

آیت الله مکارم درباره معیار تفسیر علمی معتبر، عملکرد دو گروه را سرزنش و خود راهی میانه را پیشنهاد می‌کند. ایشان معتقدند که برخی چنان راه افراط در پیش گرفته که آیات قرآن را با کمترین تناسب، بر یک سلسله فرضیات علمی تطبیق کرده و به گمان خود خدمت بزرگی به قرآن کرده‌اند، ولی آنها در اشتباه هستند، زیرا فرضیات علمی پیوسته متغیرند اما قرآن ثابت است. در مقابل دسته دوم راه تفریط را پیموده و معتقدند ما به هیچ وجه حق نداریم مسایل علمی را هر قدر مسلم باشد بر آیات قرآن هر قدر که روشن و صریح باشد، تطبیق نماییم، در حالی که این دیدگاه نیز جمودی بیش نیست.

سپس در تبیین روش صحیح تفسیر آیات علمی - که خود در تفسیر علمی قرآن نیز برگزیده - بر این باور است که مسائل و علوم می‌تواند مبنای تفسیر قرار گیرد که صددرصد ثابت، قطعی و یا حسی باشد (مکارم شیرازی، بی تا؛ ص ۱۴۹)، زیرا فرضیه‌ها با گذشت زمان، دست خوش تغییر و دگرگونی می‌شود و نمی‌توان قرآن ثابت و تغییرناپذیر را بر فرضیات دگرگون شونده تطبیق داد. برای مثال زوجیت نر و ماده، در عالم گیاهان که بعد از قرن هفده میلادی کشف شد و یا حرکت زمین به دور خود، دیگر یک فرضیه نیست، تا با گذشت زمان دگرگون شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۱ / ۱۳۱، ج ۱۱ / ۴۱۰؛ ج ۱۲ / ۲۷۵؛ مکارم شیرازی، بی تا، ص ۱۴۷).

این دیدگاه مورد تأیید بسیاری دیگر از عالمان معاصر نیز هست برای نمونه از نظر آیت الله معرفت قرآن قطعی است ولی علوم، غالباً غیر قطعی، بنابراین باید علوم بر قرآن

تطبیق شود نه بالعکس، یعنی با توجه به کشفیات علمی، از آیه مطلبی جدید فهمیده می‌شود ولی نمی‌شود گفت که مقصود اصلی آیه نیز همین است در غیر این صورت اگر کسی نسبت قطعی دهد، تحمیل است که جایز نیست (معرفت، ۱۳۹۰: ۳۴۵). از نظر سید قطب نیز چون مطالب علمی، در معرض تغییر است و مطلق نیست، پس نمی‌توان آنها را به قرآن که حقایق مطلق و نهایی دارد، نسبت داد (قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۱/ ۲۶۰).

برخی از نمونه‌های مسائل علمی در قرآن عبارتند از: حرکت زمین، زوجیت در جهان گیاهان، زوجیت عمومی همه موجودات جهان، جاذبه عمومی، تسخیر خورشید و ماه، حرکت عمومی کرات آسمانی، اسرار آفرینش کوه‌ها، زندگی در کرات دیگر، بادها و تلقیح گیاهان، کرویت زمین و

در همه این موارد، هرگاه از نظر آیت الله مکارم مطلبی علمی هنوز به اثبات نرسیده و در حد فرضیه باقی مانده و یا بین متخصصان آن علم اختلاف زیادی وجود دارد، از نسبت دادن آن علوم به قرآن پرهیز داشته است. برای نمونه درباره آیاتی مانند: «إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ» (الصفافات ۶) و «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ» (الطلاق/ ۱۲) معتقد است که پیشرفت علم و دانش بشر در آینده اطلاعات بیشتری درباره تفسیر اینگونه آیات در اختیار ما می‌گذارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۱/ ۵۱؛ ج ۲۴/ ۲۶۲؛ ج ۲۵/ ۷۵؛ ج ۲۶/ ۳۶۶). درباره آیه «وَمِنَ آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَاثْتِغَاؤُكُمْ مِنْ فَضْلِهِ» (الروم/ ۲۴) فقط به وجود شگفتی‌هایی برای خواب و تاثیر آن بر بدن اشاره می‌کند ولی بیش از آن توضیح نمی‌دهد و معتقدند که علم هنوز به طور کامل این مطلب را روشن نکرده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش؛ ج ۱۶/ ۴۰۴-۴۰۶؛ ج ۲۰/ ۴۸۲ و ۴۸۳، ج ۲۶/ ۱۸). لذا تبیین برخی از موارد اعجاز قرآن درباره طبیعت را به آیندگان می‌سپارد و بر این باور است که هر قدر علوم طبیعی، زمین‌شناسی، گیاه‌شناسی، حیوان‌شناسی و علم تشریح، فیزیولوژی، روان‌شناسی و روان‌کاوی پیشرفت کند، عجایب تازه‌ای درباره آفرینش زمین کشف می‌شود که هر یک آیتی از آیات عظمت خداوند است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش؛ ج ۱۶/ ۳۹۳ و ۳۹۴؛ نیز برای موارد دیگر ر.ک: ج ۳/ ۲۱۳ و ۲۱۴؛ ج ۲۱/ ۲۲۸؛ ج ۲۲/ ۳۳۱ و ۳۳۲).

این احتیاط در برخورد با موارد مشکوک و غیر قطعی روشی عقلایی است که دیگر مفسران بزرگ نیز بر آن روش پایبند بوده‌اند. برای نمونه علامه طباطبایی ذیل آیه شریفه «وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ» می‌گوید: «احتمال دارد که کلمه «مُوسِعُونَ» از

قبیل «أَوْسَعَ النَّفَقَةَ» به معنای «افزایش دادن در نفقه» باشد و مقصود در اینجا «توسعه و افزایش آسمان» باشد، چنان که مباحث علمی امروز به آن گرایش دارند (المیزان، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸/ ۳۸۲).

۴-۲. تفسیر قرآن بر اساس قواعد و ضوابط تفسیر

یکی دیگر از مهم‌ترین معیارهای تفسیر علمی از نظر صاحب تفسیر نمونه رعایت قواعد و ضوابط تفسیر است. در غیر این صورت منجر به «تفسیر به رأی» می‌شود، که از نظر آیت الله مکارم این نوع تفسیر خطرناک‌ترین روش در تفسیر قرآن است زیرا به جای شاگردی در مکتب قرآن، معلمی در برابر این کتاب بزرگ آسمانی می‌شود، و بجای استفاده از قرآن کوشیده می‌شود افکار خود را بر قرآن تحمیل کرد، و پیشداوری‌هایی که مولود تخصص علمی، مذهب خاص، و سلیقه شخصی است، بنام قرآن و به شکل قرآن عرضه می‌شود، در چنین حالتی قرآن برای ما امام، پیشوا و رهبر نیست، بلکه وسیله‌ای برای به کرسی نشاندن حرف‌ها و موجه جلوه دادن افکار و سلیقه‌های شخصی ما است. نتیجه این گونه تفسیر نمودن قرآن بجای هدایت یافتن به راه حق، پرت شدن در بیراهه‌ها و راسخ‌تر شدن در اشتباهات است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، مقدمه، ص ۲۳).

از نظر ایشان هرگاه انسان، عقیده‌ای را خارج از قرآن اتخاذ کند و کوشش نماید شواهدی از قرآن و یا احادیث معصومان برای آن، بتراشد و آنها را بر خلاف ظاهر توجیه نماید تا به مقصود خود دست یابد، این عمل همان تفسیر به رأی مذموم است که وعده آتش بدان داده شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۶۷ش، ص ۲۳).

ایشان به مناسبت در موارد فراوانی تأکید می‌کند که دلالت آیات قرآن باید کاملاً روشن، و طبق قواعد ادبی در استنباط معانی از ظواهر الفاظ باشد و نیازی به توجیه‌ها و تفسیرهای مخالف ظاهر پیدا نکند، در غیر این صورت مفسر خواسته و ناخواسته دچار تفسیر به رأی شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۶۷ش؛ ۱۴۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۶/ ۱۵۹؛ ج ۹/ ۶۱؛ ج ۱۱/ ۸۷، ۳۹۷؛ ج ۱۴/ ۴۸۰؛ ج ۱۵/ ۷۷). از نظر مفسر تفسیر نمونه، تبیین گزاره‌های علمی آیات قرآن از مهم‌ترین و شایع‌ترین آیاتی هستند که مفسران را در ورطه تفسیر به رأی می‌کشاند. زیرا یکی از شایع‌ترین آسیب‌های تفسیر علمی، تأویل ناصواب و خروج از قواعد و ضوابط تفسیر است. همین امر از مهم‌ترین اشکالات تفسیر طنطاوی است که مورد سرزنش مفسران پس از او شده است. زیرا

طنطاوی برای بیان بسیاری از حقایق به ظاهر عبارات و کلمات آیه پایبند نمی‌ماند و درصدد است تا اعتقاد خود را بر قرآن تحمیل نماید. او همچنین به معنای حقیقی یا مجازی کلمات، قرائن لفظی و غیر لفظی متصل یا منفصل، سیاق سخن، و به طور کلی قواعد زبانی و تفسیری توجهی نمی‌کند؛ از این رو، تفسیر او مصداق تفسیر به رأی مذموم است» (جعفری، ۱۳۷۴ش: ۱۰۶-۱۰۷؛ نفیسی، ش ۱۳۷۴: ۱۳۶).

۴-۳. حقیقی دانستن زبان قرآن در آیات علمی

آیت الله مکارم معتقد است که زبان آیات علمی حقیقی است و کسانی که معتقدند زبان این گونه آیات سمبولیک است را مورد سرزنش قرار می‌دهد. ایشان در این درباره می‌نویسند: «برخی از محققان بر این باورند که مثال‌های علمی قرآن به صورت نمادین و سمبلیک است و هدف این آیات بیان مطالب علمی به طور اصیل نیست. به عنوان نمونه در آفرینش آدم زبان آیات رمزی است و خلقت انسان یعنی حقیقت و سرنوشت معنوی و صفات نوعی او. در نظر این افراد روح خدا و لجن متعفن دو اشاره سمبولیک هستند، و انسان واقعاً نه از لجن بدبو - «حَمًا مَسْنُونًا» (الحجر/ ۲۶) - ساخته شده و نه از روح خدا، بلکه اولی پستی، رکود و توقف مطلق را نشان می‌دهد و دیگری تکامل بی‌نهایت و برتری لایتناهی را می‌رساند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۱/ ۷۳-۷۵؛ و نیز ر.ک: شریعتی، بی تا، جزوه‌های ۱۵ و ۱۶ ص ۴۳ به بعد). این در حالی است که در باور صاحب تفسیر نمونه، مسأله رمزی بودن آیات و شکل سمبولیک به آنها دادن خلاف عقل و علم است، و این چیزی نیست مگر «تفسیر به رأی» که از نظر تمام دانشمندان و عقلا ناپسند است. سپس ادامه می‌دهد فتح این باب، سبب می‌شود که برخی موسی را، کنایه از روح انقلاب توده‌های زحمت‌کش و فرعون را اشاره به رژیم‌های جبار می‌گیرند و دیگری، عیسی را به معنای افکار زنده‌کننده اجتماع و مریم را، کنایه از روح پاکی و عفت می‌داند و کم کم دامنه این تفسیر به رأی، به احکام و قوانین اسلام کشیده می‌شود. در نتیجه نماز را به توجه باطنی به خدا و روزه را به معنای خویشتن‌داری از گناه تفسیر می‌کنند. به این ترتیب، همه قوانین، زیر چرخهای تفسیر به رأی، درهم کوبیده می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۶۷ش، ص ۷۳). ایشان همچنین ضمن تفسیر آیه ۲۴۳ بقره می‌نویسد: «خلاصه اگر پای این گونه توجیهاات و تفسیرها به قرآن کشیده شود، می‌توان علاوه بر انکار معجزات پیامبران، غالب مباحث تاریخی قرآن را انکار کرد و آنها را از قبیل «تمثیل» یا به تعبیر امروز به شکل «سمبولیک» دانست و مثلاً سرگذشت

«هابیل» و «قابیل» را مثالی برای مبارزه عدالت و حق‌جویی با قساوت و سنگدلی دانست و در این صورت همه مباحث تاریخی قرآن ارزش خود را از دست خواهد داد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش: ج ۲ / ۲۲۱).

۴-۴. توجه به بُعد هدایتی و انسان‌سازی قرآن

ذکر مطالب و مثال‌های علمی در قرآن کریم، هدف اصلی قرآن نیست، بلکه هدف اصلی قرآن هدایت انسان به سوی خداست ولی برای رسیدن به این هدف گاهی از مثال‌های علمی حق و واقعی نیز استفاده می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴ / ۳۲۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۴ / ۲۹۸؛ زمخشری، ۱۴۱۷ق، ج ۲ / ۲۱ و ۳۱). از آن جایی که صاحب تفسیر نمونه نیز قرآن را برنامه زندگی برای هدایت انسان‌ها دانسته، همین اصل را در توجه به آیات علمی قرآن رعایت کرده و بعد تربیتی آنها را برجسته نموده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش: ج ۵ / ۲۲۲ - ۲۲۳؛ ج ۱۱ / ۳۶۱ - ۳۶۲). همچنین در جای دیگر تفسیر نمونه بیان می‌دارد: «می‌دانیم قرآن یک کتاب علوم طبیعی نیست، بلکه یک کتاب انسان‌سازی است و بنابراین، نباید انتظار داشت که جزئیات این علوم از قبیل مسائل مربوط به تکامل، تشریح، جنین‌شناسی، گیاه‌شناسی و مانند آن در قرآن مطرح شود، ولی این مانع از آن نخواهد بود که به تناسب بحث‌های تربیتی اشاره کوتاهی به قسمت‌هایی از این علوم در قرآن بشود» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ۱۱ / ۸۱).

بر این اساس وی معتقد است قرآن در صدد آفرینش اندیشه، نظام و جامعه ویژه‌ای است. در صدد آفرینش امتی ویژه در زمین است که نقش رهبری بشریت را برعهده گیرد، امتی نمونه و بی‌نظیر که زندگی نمونه و بی‌نظیری را شکل دهد. لذا قرآن برخلاف نظر برخی از پیروان متعصب آن، و نیز برخلاف نظر طعنه‌زنندگان بر آن که در صدد یافتن مخالفتی در آن با علوم تجربی و طبیعی می‌باشند، کتاب نجوم، شیمی، پزشکی و دیگر علوم تجربی نیست بلکه در جایگاهی برتر از این معلومات جزئی می‌نشیند. وظیفه‌ی قرآن این است که تصویری کلی از هستی و از چگونگی ارتباط آن با آفریننده اش، و نیز از وضعیت انسان در این هستی و چگونگی ارتباط او با پروردگار، ارائه دهد؛ تا در پرتو این تصور، نظامی برپا گردد که به انسان اجازه می‌دهد همه‌ی توانایی‌های خود از جمله توانایی عقلی اش را به کار گیرد تا به بحث و بررسی علمی و به تجربه و تطبیق پردازد و به نتایج مورد نظر خویش دست یابد (مکارم

شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۱ / ۴۱، دیگر موارد ج ۱۰ / ۳۴۰؛ ج ۲۰ / ۴۸۲ و ۴۸۳، ج ۲۶ / ۱۸).

۴-۵. تفسیر آیات علمی بر اساس عقل قطعی

یکی دیگر از منابع تفسیر قرآن، بهره‌گیری از عقل و بدیهیات عقلی است. داده‌های عقلی به دو صورت در فهم آیات قرآن مؤثر است؛ در صورت نخست، داده‌های عقلی به عنوان قرائن لَبّی کلام در تعیین مفاد آیات و توجیه معنای ظاهری آنها مؤثرند و در صورت دوم، داده‌های عقلی نقش ابزاری برای فهم قرآن را برعهده دارند و اصول فهم و استنتاج و استخراج مفاد آیات را مشخص می‌کند (رجبی، ۱۳۸۷ش، ص ۲۳). آیت الله مکارم عقل را وسیله سعادت یا شقاوت انسان‌ها دانسته و این دنیا را به تجارتی تشبیه کرده‌اند که در صورت عدم استفاده از عقل، انسان ضرر خواهد کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۱ / ۱۰۹، ۱۱۶).

برای نمونه آیت الله مکارم ذیل آیه ناظر به زوجیت همه موجودات: «سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ» (یس / ۳۶) با طرح چندین دیدگاه درباره تفسیر آیه و مقصود خداوند از زوجیت، معتقد است که از نظر عقلی مادامی که قرینه‌ای بر خلاف معنای حقیقی نباشد باید آن را بر معنای حقیقی حمل نمود؛ بنابراین، تفسیر زوجیت در آیه به «الکترون و پرتون» در هسته اتم؛ «ماده و صورت» و یا «جوهر و عرض» هیچ وجه عقلی ندارد و بهتر است که آن را بر همان جنس مذکر و مؤنث که معنای حقیقی است حمل کنیم (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۸ / ۳۷۸).

بنابراین، رعایت معیارهای فوق در تفسیر آیات علمی منجر شده که آیت الله مکارم تفسیری قاعده‌مند از این دسته آیات ارائه دهد. از همین رو، موجب شده تا مطالب سست و بی‌پایه به ارجاعات علمی او راه نیابد.

۵. روش‌های تفسیر نمونه در تبیین اعجاز علمی قرآن

آیت الله مکارم علاوه بر بهره‌گیری از داده‌های قطعی علوم طبیعی و تجربی، از علوم غیر تجربی و روش‌های گوناگون دیگری برای بیان اعجاز علمی با زبانی ساده و روان استفاده می‌کند، و همواره از پیچیده‌گویی و به کار بردن اصطلاحات تخصصی پرهیز می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، مقدمه، ص: ۲۹)، و هر جا ناچار بوده از اصطلاحات

تخصصی و علمی استفاده نماید آنها را در پاورقی توضیح داده تا هم برای صاحب نظران و هم برای عموم مردم مفید باشد. برای مثال درباره «وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَزَيَّنَّاهَا لِلنَّاظِرِينَ» (الحجر/ ۱۶) منظور از بروج را صورت‌های فلکی می‌داند که در واقع مجموعه‌ای از ستارگانی هستند که شکل خاصی به خود گرفته‌اند و وقتی ما در پایین به آنها نگاه می‌کنیم می‌گوییم خوشید مثلاً در برج «حَمَل»، «ثور»، «میزان»، «عقرب» و یا «قوس» است. سپس همه این اصطلاحات را برای مخاطب در پاورقی شرح می‌دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۱ / ۴۱). در ادامه به برخی روش‌های دیگر اشاره می‌شود:

۵-۱. بهره‌گیری از حدیث در تبیین اشارات علمی قرآن

آیت الله مکارم شیرازی در برخی موارد برای تبیین آیات علمی قرآن از احادیث بهره می‌گیرد. برای نمونه ذیل آیه «إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ» (الانشقاق / ۱) به حدیثی از امام علی (ع) استناد می‌کند که در این باره فرموده است: «إِنَّهَا تَنشَقُّ مِنَ الْمَجْرَةِ» یعنی آسمان‌ها از کهکشان جدا می‌شوند. صاحب تفسیر نمونه ادامه می‌دهد: این حدیث پرمعنی و قابل دقت است، و از معجزات علمی محسوب می‌شود، از حقیقتی پرده برمی‌دارد که در آن زمان هیچ یک از دانشمندان به آن نرسیده بودند و آن اینکه دانشمندان فلکی امروز با مشاهدات نجومی خود به وسیله تلسکوپ‌های عظیم و نیرومند ثابت کرده‌اند که عالم مجموعه‌ای از کهکشان‌ها است و هر کهکشان مجموعه‌ای است از منظومه‌ها و ستارگان، و به همین دلیل آنها را شهرهای ستارگان می‌نامند، کهکشان راه شیری معروف که با چشم قابل مشاهده است مجموعه عظیم و دایره‌مانندی از همین منظومه‌ها و ستارگان است، یک طرف از آن بقدری از ما دور است که ستارگانش را به صورت ابری سفید می‌بینیم، ولی در واقع مجموعه نقاط نورانی نزدیک به هم است. اما آن طرفش که به ما نزدیک است ستارگانش قابل رؤیت هستند، و همین ستارگانی است که ما در آسمان شب می‌بینیم، و به این ترتیب منظومه شمسی ما جزء این «مجره» (کهکشان) است. مطابق روایت فوق، علی (ع) می‌گوید: در آستانه قیامت این ستارگان را که ما مشاهده می‌کنیم از کهکشان جدا می‌شوند، و نظام همگی به هم می‌خورد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۲۶ / ۳۰۴، موردی دیگر؛ ج ۵ / ۳۸۷، ج ۱۰ / ۱۱۰).^۲

نمونه دیگر را ذیل آیه ۲۶ بقره می‌توان جستجو نمود، آیت الله مکارم پس از تفسیر آیه و اینکه چرا خداوند به موجودات کوچکی همچون پشه و یا عنکبوت مثل می‌زند، از

امام صادق و امام علی علیهما السلام روایاتی را نقل می‌کند که آنان درباره ساختمان پشه و ویژگی‌های بدن آن توضیح داده‌اند. برای مثال امام صادق (ع) می‌فرماید: «خداوند به پشه مثال زده با اینکه از نظر جسم بسیار کوچک است، ولی از نظر ساختمان همان دستگاه‌هایی را دارد که بزرگترین حیوانات خشکی یعنی فیل دارا است و علاوه بر آن دو عضو دیگر (شاخک‌ها و بال‌ها) در پشه است که فیل فاقد آن است» (مکارم شیرازی، ج ۱، ص، ۱۵۱).

نمونه دیگر روایتی است که روای از امام رضا (ع) درباره معنای آیه «وَ السَّمَاءِ ذَاتِ الْحُبُكِ» می‌پرسد. امام پاسخ می‌دهد که آسمان دارای راه‌هایی به طرف زمین است، راوی می‌پرسد که مطابق آیه «اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا» (الرعد / ۲) آسمان بی ستون است امام می‌فرماید: «سبحان الله، أليس الله يقول بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا؟ قلتُ بلى، فقال ثمَّ عَمَدٌ وَ لَكِن لَّا تَرَوْنَهَا». مفسر با استناد به این روایت و برخی دلایل دیگر معتقد است که آسمان دارای ستون‌های نامرئی است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۰ / ۱۱۰؛ نمونه‌های دیگر: ر.ک: ج ۱۱ / ۲۵۶؛ ج ۱۳ / ۳۹۵؛ ج ۲۵ / ۴۱۲)

۵-۲. بهره‌گیری از قواعد نحوی در تبیین اشارات علمی قرآن

آیت الله مکارم گاهی برای تبیین و تفسیر آیات علمی قواعد ادبیات عرب را به خدمت می‌گیرد و از این راه نکات ظریفی درباره اعجاز علمی بیان نموده‌اند. برای نمونه ذیل آیه «وَ السَّمَاءِ بَنِيَانًا بَأُيُودٍ وَ إِنَّا لَمُوسِعُونَ» (الذاریات / ۴۷) می‌نویسد: «استفاده از جمله اسمیه و اسم فاعل دلیل بر تداوم این موضوع است و نشان می‌دهد که این گسترش همواره وجود داشته، و هم چنان ادامه دارد، و این درست همان چیزی است که امروز به آن رسیده‌اند که تمام کرات آسمانی و کهکشانها در آغاز در مرکز واحدی جمع بوده سپس انفجار عظیم و بی نهایت وحشتناکی در آن رخ داده، و به دنبال آن اجزای جهان متلاشی شده، و به صورت کرات درآمده، و به سرعت در حالت عقب‌نشینی و توسعه است» (مکارم، ۱۳۷۴ش، ج ۲۲ / ۳۷۵) نمونه دیگر ذیل آیه «اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا»، (الرعد / ۲) قابل مشاهده است. مفسر «تَرَوْنَهَا» را صفت «عَمَدٍ» می‌داند و در نتیجه آسمان دارای ستون‌هایی نامرئی است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۰ / ۱۱۰)

ایشان همچنین ذیل آیه «وَ يُنَزَّلُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ جِبَالٍ فِيهَا مِنْ بَرَدٍ» (النور / ۴۳) درباره سه نوع «من» که در آیه به کار رفته می‌نویسد: «از نظر ادبیات عرب نخستین آنها «من

ابتدائیه» است، و دومین آن نیز تناسب با «ابتدائیه» دارد و اما درباره سومین «من» اختلاف است. در صورتی که «بیانیه» باشد مفهوم جمله این می‌شود: خداوند از آسمان از کوه‌هایی که از تگرگ است تگرگ‌هایی فرو می‌فرستد، بنابراین، مفعول «ینزل» محذوف است؛ و آن کلمه «البرد» بوده که از قرینه کلام فهمیده می‌شود، اما بنا بر دو تفسیر دیگر «من» یا زائد خواهد بود و یا تبعیضیه است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۴/۵۰۵؛ نمونه‌های دیگر: ر.ک: ج ۲۵/۳۳۵، ۴۱۱)

۳-۵. بهره‌گیری از مثل در تبیین اشارات علمی قرآن

آیت الله مکارم شیرازی در برخی موارد برای تبیین آیات علمی قرآن از نقش مثل و جایگاه تبیینی آن برای روشن ساختن آیات علمی اشاره می‌کند. از نظر ایشان نقش مثل در توضیح و تفسیر مسائل علمی قرآن، نقشی انکارناپذیر است، (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش؛ ج ۱۰/۱۷۲) از نظر ایشان مثل، مسائل را حسی و راه را نزدیک می‌کند، همچنین مسائل را قابل فهم برای همگان و درجه اطمینان به آنان را بالا می‌برد، و در نهایت لجاجان را خاموش می‌سازد؛ او سپس درباره جایگاه مثل در تبیین مباحث علمی می‌نویسد: «بسیاری از مباحث علمی است که در شکل اصلیش تنها برای خواص قابل فهم است، و توده مردم استفاده چندانی از آن نمی‌برند، ولی هنگامی که با مثال آمیخته، و به این وسیله قابل فهم گردد، مردم در هر حد و پایه‌ای از علم و دانش باشند، از آن بهره می‌گیرند، بنابراین، مثل‌ها به عنوان یک وسیله تعمیم علم و فرهنگ، کاربرد غیر قابل انکاری دارند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۰، ص ۱۷۳).

برای نمونه مکارم آیه ۴۱ عنکبوت که اشاره به سستی خانه عنکبوت دارد: «مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنَ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ» را جزء آیات علمی دانسته و به نقش مثل در تبیین این آیه علمی پرداخته و معتقد است ذکر یک مثل مناسب آن چنان راه را نزدیک می‌کند که زحمت استدلال‌ات فلسفی زیادی را از دوش گوینده و شنونده بر می‌دارد. ایشان سپس می‌افزاید: برای تعمیم و گسترش مطالب پیچیده علمی در سطح عموم راهی جز استفاده از مثال‌های مناسب نیست و تشبیه معقول به محسوس و بهره‌گیری از مثل یکی از طرق مؤثر در تفهیم مسائل عقلی و علمی است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش؛ ج ۱/۱۴۹).

همان گونه که مشاهده می‌شود در تفسیر نمونه علاوه بر روش‌های معمول همه مفسران در تبیین آیات علمی از روش‌های دیگری همچون توجه به مسائل زبانی آیات

علمی، بهره‌گیری از مثل‌های قرآنی و لزوم توجه به جایگاه حدیث در تبیین این آیات استفاده کرده است.

۶. نتیجه‌گیری

بنابراین، با توجه به گذشت می‌توان گفت:

۱. از نظر آیت‌الله مکارم قرآن نه کتاب علمی بلکه کتاب هدایت و انسان‌سازی است و آنچه برای هدایت بشر لازم بوده در آن آمده است، ولی به مناسبت به مسائل علمی نیز اشاره نموده است.

۲. از دیدگاه آیت‌الله مکارم تفسیر آیات علمی باید متکی بر معیارهایی باشد: برخی از این معیارها عبارتند از:

الف. تفسیر قرآن بر اساس علوم قطعی و بی‌توجهی به فرضیه‌ها

ب. تفسیر قرآن بر اساس قواعد و ضوابط تفسیر

ج. حقیقی دانستن زبان قرآن در آیات علمی

د. توجه به بُعد هدایتی و انسان‌سازی قرآن

ه. تفسیر آیات علمی بر اساس عقل قطعی

۳. آیت‌الله مکارم در تفسیر آیات علمی علاوه بر بهره‌گیری از علوم تجربی و دلایل علمی و گاه فلسفی از روش‌های متعدد دیگری بهره برده‌اند. برخی از مهمترین این روش‌ها عبارتند از:

الف. بهره‌گیری از حدیث در تبیین اشارات علمی قرآن

ب. بهره‌گیری از قواعد نحوی در تبیین اشارات علمی قرآن

ج. بهره‌گیری از مثل در تبیین اشارات علمی قرآن

۴. صاحب تفسیر نمونه بر این باور است که مسائل و علوم می‌تواند مبنای تفسیر قرار گیرد که صددرصد ثابت، قطعی و یا حسی باشد، زیرا فرضیه‌ها با گذشت زمان، دست‌خوش تغییر و دگرگونی می‌شود و نمی‌توان قرآن ثابت و تغییرناپذیر را بر فرضیات دگرگون شونده تطبیق داد.

۵. زبان آیات علمی زبان حقیقی است، بنابراین حمل آیه بر معانی نمادین و سمبولیک صحیح نیست.

پی‌نوشت

۱. آیت الله مکارم در برخی دیگر از آثار خود مانند کتاب «قرآن و آخرین پیامبر» به مناسبت درباره اعجاز علمی قرآن سخن رانده است. ایشان در این باره چنین می‌گویند: «شکی نیست که قرآن را نمی‌توان به عنوان یک کتاب علوم طبیعی معرفی کرد، ... چه اینکه قرآن برای این هدف نازل نشده، قرآن یک دائرة المعارف نیست، بلکه یک کتاب تربیت و هدایت است، هدایت نوع بشر به سوی یک زندگی به تمام معنی انسانی و سعادت‌مندان، با همه ویژگی‌هایش»؛ او همچنین به شبهه ضرورت وجود همه علوم در قرآن با استناد به برخی آیات مانند «نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» (النحل / ۸۹) چنین پاسخ می‌دهد: «منظور از این گونه آیات، یک امر نسبی است یعنی تمام اموری که در این هدف دخالت دارد، و آنچه به تأمین یک زندگی سعادت بخش انسانی و تربیت نوع انسان کمک می‌کند در این کتاب آسمانی هست، و یا اینکه کلیات و اصول علوم و دانش‌ها و آنچه انگیزه انسان بر کشف و جستجوی اسرار طبیعت و قوانین آفرینش می‌باشد در آن وجود دارد، نه جزئیات آنها» (مکارم شیرازی، بی‌تا؛ ص ۱۴۷).

۲. شایسته یادآوری است که بسیاری از دیگر مفسران نیز ذیل آیه به این حدیث شریف برای تفسیر آن استناد نموده‌اند. (برای آشنایی با این تفاسیر بنگرید: ابن ابی حاتم، ۱۹۱۹ق، ج ۱۰ / ۳۳۷۰؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۵ / ۲۹۷؛ اندلسی، ۱۴۲۰، ج ۱۰ / ۳۸؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۱ / ۹۶؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۸ق، ج ۲ / ۴۲۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۵ / ۲۸۶؛ شریف لاهیجی، ۱۳۷۳ش، ج ۴ / ۷۴۴؛ ملاحویش آل غازی، ۱۳۸۲ش، ج ۴ / ۴۳۰) آیت الله طالقانی نیز در این باره بیانی لطیف دارند. ایشان در این باره می‌فرمایند: پیش از دوربین‌های قوی دانشمندان کیهان‌شناس، ما دوربین‌هایی از نبوت و وحی بصورت روایات صحیح داریم که راه فهم این گونه آیات را پیش از این روشن نموده است، سپس به روایت امام استناد می‌کند و معتقد است این روایت مبین این حقیقت است که آسمان ما هر چه هست، متصل به کھکشان (مجرّه) است و در مقدمه تحول جهان و آغاز قیامت از آن گسیخته و جدا می‌شود. (طالقانی، ۱۳۶۲ش، ۳ / ۲۷۴)

منابع

قرآن کریم

آلوسی، محمود، ۱۴۱۵ق، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و سبع المثانی، تحقیق: علی عبدالباری عطیه، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه.

ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، ۱۴۱۹ق، تفسیر القرآن العظیم (ابن ابی حاتم)، تحقیق: اسعد محمد الطیب، عربستان سعودی، ناشر: مکتبه نزار مصطفی البارز.

اندلسی، ابو حیان محمد بن یوسف، ۱۴۲۰ق، *البحر المحيط فی التفسیر*، تحقیق: محمد جمیل تحقیق، بیروت، نشر دالفکر.

بیضاوی، عبدالله بن عمر، ۱۴۱۸ق، *انوار التنزیل و اسرار التأویل*، تحقیق: محمد عبد الرحمن المرعشلی، چاپ اول، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

پاک‌نژاد، دکتر سید رضا، ۱۳۵۰ش، *اولین دانشگاه و آخرین پیامبر*، کتابفروشی اسلامیة. جرجانی، ابوالمحاسن حسین بن حسن؛ ۱۳۷۷ش، *جلاء الأذهان و جلاء الأحزان*، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

جعفری، سید محمد مهدی، ۱۳۷۴ش، «شیوه تفسیری پرتویی از قرآن» بینات، شماره ۷، دوره دوم، ص ۱۰۳

حافظ ابراهیم، مدحت، ۱۹۹۳م، *الاشارات العلمیة فی القرآن الکریم*، قاهره، مکتبه غریب.

حبال، محمد جمیل، بی تا، *العلوم فی القرآن*، بی جا بی نا.

ذهبی، محمد حسین، ۱۳۶۹ش، *التفسیر و المفسرون*، الطبعة الثانية، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

رجبی، محمود، ۱۳۸۷ش، *روش تفسیر قرآن*، چاپ سوم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

رضایی اصفهانی، محمد علی، ۱۳۷۵ش، *درآمدی بر تفسیر علمی قرآن*، چاپ اول، قم، اسوه.

رضایی اصفهانی، محمد علی، ۱۳۸۱ش، *پژوهشی در اعجاز علمی قرآن*، چاپ سوم، رشت، کتاب مبین.

رفیعی محمدی، ناصر، *سیر تدوین و تطور تفسیر علمی قرآن*، چاپ اول، ۱۳۸۶ش، قم، انتشارات مرکز جهان علوم اسلامی.

زر زور، عدنان محمد، ۱۴۱۶ه، *مدخل الی تفسیر القرآن و علومه*، چاپ اول، دمشق و بیروت، دارالقلم و دارالشامیه.

الزکشی، بدرالدین، محمد بن عبدالله، ۱۴۱۰ق، *البرهان فی علوم القرآن*، بیروت، دارالمعرفه.

زمخشری، محمود بن عمرو، ۱۴۰۷ق، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، چاپ سوم، بیروت، دار الکتاب العربی.

سادلر، توماس وی، ۱۳۷۰ش، *رویان‌شناسی پزشکی لانگمن*، ترجمه دکتر مسلم بهادری و دکتر عباس شکور، انتشارات شرکت سهامی چهر.

سیوطی، جلال الدین، ۱۴۱۲ق، *الاتقان فی علوم القرآن*، چاپ دوم، بیروت، دار الکتاب العربی.

الشرقاوی عفت محمد؛ ۱۹۷۲ق، *اتجاهات التفسیر فی مصر فی العصر الحدیث*، چاپ اول، قاهره.

شریعتی، علی، بی تا، *اسلام شناسی*، جزوه های ۱۵ و ۱۶، تهران حسینیه ارشاد.

شریف لاهیجی، محمد بن علی، ۱۳۷۳ش، *تفسیر شریف لاهیجی*، تحقیق: محدث، تهران، دفتر نشر داد.

الشریف، عدنان، ۱۹۹۰م، *من علم الطب القرآن*، الطبعة الاولى، بیروت، دار العلم للملایین.

طالقانی، سید محمود، ۱۳۶۲ش، *پرتویی از قرآن*، چاپ چهارم، تهران، شرکت سهامی انتشار.

- طباطبایی، محمدحسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ش، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، تحقیق: محمد جواد بلاغی، چاپ سوم، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
- طنطاوی، ۱۴۱۲ق، *الجواهر*، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
- عجوز، احمد، ۱۹۸۷م، *معالم القرآن فی عالم الاکوان*، بیروت دار الندوه.
- الغزالی، محمد؛ ۱۴۱۵ه، «*التفسیر العلمی للقرآن بین الرفض و القبول*»، *الفکر الاسلامی* : ش ۶.
- غزالی، ابوحامد، بی تا، *احیاء علوم الدین*، بیروت، دارالمعرفه، بی تا
- فخر رازی، محمد بن عمر، ۱۴۲۰ق، *مفاتیح الغیب*، چاپ سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- فیض کاشانی، محمد بن مرتضی، ۱۴۱۵ق، *تفسیر الصافی*، تحقیق: حسین اعلمی، چاپ دوم، انتشارات صدر، تهران.
- فیض کاشانی، ملا محسن، ۱۴۱۸ق، *الاصفی فی تفسیر القرآن*، تحقیق: محمد رضا درایتی، چاپ اول، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- فیومی، سعید صلاح؛ ۲۰۰۴/۱۴۲۴، *الإعجاز العلمی فی القرآن الکریم (للفیومی)*، چاپ اول، ناشر مکتبه القدسی، قاهره.
- قرشی، سید علی اکبر، ۱۳۷۷ش، *تفسیر أحسن الحدیث*، چاپ سوم، بنیاد بعثت، تهران.
- قطب، سید، ۱۴۱۲ق، *فی ظلال القرآن*، چاپ هفدهم، بیروت، دار الشروق.
- کاشانی، ملا فتح الله، ۱۳۳۶ش، *تفسیر منهج الصادقین فی إلزام المخالفین*، تهران، کتابفروشی محمد حسن علمی.
- گنابادی، سلطان محمد، ۱۴۰۸ق، *تفسیر بیان السعاده فی مقامات العبادة*، بیروت، چاپ دوم، موسسه الاعلامی للمطبوعات.
- مصطفوی، حسن، ۱۳۷۱ش، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، الطبعة الاولى، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد جمهوری اسلامی ایران.
- معرفت، محمد هادی، ۱۳۸۴ش، *التفسیر و المفسرون فی ثوبه التمشیب*، چاپ دوم، مشهد: آستان قدس رضوی.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۶ش، *پیام قرآن (تفسیر نمونه موضوعی)*، چاپ ششم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴ش، *تفسیر نمونه*، چاپ اول، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر بی تا، *قرآن و آخرین پیامبر*، ج ۲، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر بی تا، *مجموعه سخنرانیهای سومین کنفرانس دار القرآن کریم*، قم، دارالقران الکریم.

۱۵۸ جایگاه تفسیر علمی و معیارهای آن در تفسیر نمونه

مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۶۷ش، تفسیر به رأی، چاپ هفتم، تهران، مطبوعاتی هدف.
ملا حویش آل غازی، عبدالقادر، ۱۳۸۲ش، بیان المعانی، چاپ اول، ناشر مطبع الترقی، دمشق.
ملکیان، مصطفی، تابستان ۱۳۷۳، «بررسی گونه‌های تعارض بین علم و دین»، فصلنامه مصباح، ش ۱۰،
ص ۶۶-۶۷

نجفی، گودرز، ۱۳۷۷ش، مطالب شگفت‌انگیز قرآن، تهران، نشر سبحان.
نفیسی، زهرا، ۱۳۷۴ش، «عقل و علم در تفسیر الجواهر» بینات، شماره ۶، دوره دوم، ص ۱۳۶.
نوفل، عبدالرزاق، ۱۳۹۳ق، القران و العلم الحدیث، بیروت، دارالکتب العربیه.